



مقدمه حقوق



شاپا جایی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۶ - شماره ۱۷ - زمستان ۱۴۰۲

بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران
محمد کمالی، محمد باقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک
محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان
محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی
بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی
تاثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک
روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک
آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یار ارشدی
واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلاتتری درونکلا
نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات
زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم
نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسین ابوالحسنی

جرائم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران
سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی
مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار
سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

تاثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)
سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص ترانجسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه
سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمد سعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی
حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی
تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکت‌های تجاری

پریسا رضوان، علی زارع
کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمد امین ابراهیمی
نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری
موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان جویزای
سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)

Sayyed Hosein Dehghan Nayeri

Doctoral student of criminal law and criminology, faculty of law and political science, Islamic Azad University, Karaj branch, Karaj, Iran

سید حسین دهقان نیری

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

nima_245@yahoo.com

Maryam Mosaferi

Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Mofid University, Qom, Iran (Corresponding Author)

مریم مسافری

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول)

m2017.mosaferi@gmail.com

Abstract

Children and teenagers are considered victims of sexual crimes in the legal systems of the world and have been assaulted and victimized. The reason why criminals choose this category is their vulnerability and inability to defend themselves. It is obvious that criminal justice and punishment alone have not paid special attention to factors such as the background of such crimes, the characteristics of the victim and the criminal, the methods of rehabilitation of the perpetrator and the methods of informing the victim, so it cannot help to reduce these types of crimes and prevent -ing this innocent group from being victimized. Therefore, the present research examines the situation of the victim and the perpetrator of sexual crimes against children in the context of doctrines such as restorative justice and criminal policy and aims to examine the existing solutions to reduce the statistics of such crimes by applying it to the existing laws.

Keywords: Sexual Crimes, Restorative Justice, Criminal Policy, Children, Rehabilitation.

چکیده

کودکان و نوجوانان در سیستم‌های حقوقی دنیا به عنوان بزه دیدگان جرایم جنسی در نظر گرفته شده و مورد تعرض قرار گرفته و قربانی شده‌اند. علت این که بزه‌کاران این قشر را انتخاب می‌کنند آسیب‌پذیری و عدم توانایی در دفاع از خویش است. بدیهی است که عدالت کیفری و صرف سزادهی به عواملی همچون زمینه بروز این گونه جرایم، ویژگی‌های بزه دیده و بزه‌کار، راهکارهای بازپروری مرتکب و راهکارهای آگاهی بخشی به بزه دیده توجه خاصی نداشته است، بنابراین نمی‌تواند به کاهش این گونه جرایم کمک شایانی نماید و از بزه دیدگی این قشر معصوم جلوگیری کند. لذا پژوهش حاضر موقعت بزه دیده و بزه‌کار جرایم جنسی نسبت به اطفال را در بستر آموزه‌هایی همچون عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بررسی نموده و در صدد است تا با تطبیق آن با قوانین موجود راهکارهای موجود در جهت کاهش آمار این گونه جرایم را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: جرایم جنسی، عدالت ترمیمی،

سیاست جنایی، اطفال، بازپروری.

ارجاع:

دهقان نیری، سید حسین؛ مسافری، مریم؛ (۱۴۰۲)، تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

از منظر علوم جنایی، یکی از آماج‌های مستعد برای بزه دیدگی که به تعبیر فون هانتینگ دارای پیش استعداد یا پیش زمینه بزه دیدگی هستند، کودکان و نوجوانان می‌باشند. این دسته از افراد به خاطر وجود علی همچون حساسیت و آسیب‌پذیری بالا، عدم توانایی در دفاع از خود و ضعف روحی، جسمانی و اجتماعی حاکم بر آن‌ها گزینه‌های مناسبی برای بزه دیدگی بالاخص بزه دیدگی جنسی به شمار می‌روند. بدون شک کودک آزاری جنسی قرن هاست که وجود دارد ولی این مسئله از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی به صورت یک معضل اساسی در جهان مطرح گردید. در چند سال اخیر با رسانه‌ای شدن اخبار مربوط به پدیده کودک آزاری، شاهد افزایش لجام گسیخته خشونت جنسی علیه کودکان در اشکال و صور گوناگون بوده‌ایم که از دلایل مهم آن می‌توان به مدرنیته شدن جوامع و جهانی شدن فقر و مهاجرت و رشد فزاینده استفاده از فضای سایر اشاره نمود. به صورت کلی کودکان در زمینه مسائل جنسی به دو طریق می‌توانند بزه دیده جرم واقع گردند: طریقه اول بدین نحو است که اطفال به طور مستقیم و فیزیکی موضوع التذاذ جنسی قرار می‌گیرند که جرائمی همچون زنا، لواط، تفخیز، مساحقه و تقبیل از این دسته‌اند و طریقه دوم شامل جرایمی می‌شود که از اطفال در فعالیت‌های مجرمانه جنسی استفاده می‌گردد که از این جمله می‌توان به جرائمی همچون روسپیگری، هرزه نگاری و توریسم جنسی اشاره کرد.

بخش مهمی از سیاست جنایی یک کشور را سیاست کیفری آن کشور در برخورد با جرایم تشکیل

می‌دهد. در میان بزه دیدگان جرم برخی از بزه دیدگان همانند اطفال به دلایلی از جمله وجود آسیب‌پذیری بالا و برخورداری از شان و منزلت انسانی همانند بزرگسالان حمایت ویژه‌ای را در زمینه سیاست کیفری می‌طلبند. از این رو نیاز به افتراقی‌سازی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان در بستر آموزه‌هایی همچون عدالت ترمیمی، جرم‌شناسی، سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی هم در جرائم حدی و هم در جرائم تعزیری به شدت احساس می‌شود. در کشور ایران، پارادایم عدالت ترمیمی در حوزه مقابله با جرایم جنسی چه جایگاهی دارد؟ به رغم این که عدالت ترمیمی در طی سال‌های اخیر در مغرب زمین در حوزه‌های مختلفی از جمله جرایم جنسی رشد چشمگیری داشته است لکن، به طور ویژه در کشور ایران، شاهد کاربست عدالت ترمیمی در زمینه جرایم جنسی نیستیم و کما فی السابق رویکرد سزاگرایانه است که بر رویکرد عدالت ترمیمی پیشی دارد.

۱- راهکارهای جرم‌شناختی حمایت از بزه دیدگی جنسی اطفال

۱-۱- نقش عدالت ترمیمی در قبال بزه دیدگان و بزه‌کاران جنسی

قطعاً برای کمک به کودک، صرف اعمال سیستم عدالت کیفری که تنها هدفش ارباب، مجازات، تریب و تریذیل بزه‌کار است کفایت نخواهد کرد، «چراکه صرف در نظر داشتن مجازات به عنوان مرکز ثقل اصلی نظام عدالت کیفری، نه دارای مشروعیت اخلاقی و نه دارای تأثیر عملی است، بلکه صرفاً به ضرر بزه دیدگان است» (کپتین و مالچ نیکل، ۱۳۸۴، ۳۹). از این رو، در این مسیر باید با توسل به عدالت ترمیمی که رویکرد جدید سیاست جنایی محسوب می‌گردد و تمرکز ویژه‌ای بر شخص بزه دیده و نیازهای وی دارد، به کاهش آلام روحی و روانی وارده بر کودک پردازیم.

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در طی سال‌های متمادی تا سال ۱۳۹۲ در فرایند تقنین جرائم جنسی صرفاً توجه اش به مبانی شرعی و فقهی بوده است و در جهت استفاده و به کارگیری تدابیر و اقدامات عدالت ترمیمی اهمیتی نداشته است. ولی در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان با تمرکز و تلاش بر حفظ اصول شرعی و فقهی جرائم جنسی، به یک باره رویکرد سیاست جنایی خود را تغییر داده و توجه اش را به مفاهیم و اصول عدالت ترمیمی معطوف نموده است. به طور کلی در ماده‌های اول تا ششم این قانون شاهد توجه قانون‌گذار به مفاهیم عدالت ترمیمی و پیشگیری هستیم که در مباحث آتی به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱-۱-۱- راهکار عدالت ترمیمی در قبال بزهدیدگی جنسی اطفال

در این بند به شرح تأثیر عدالت ترمیمی بر کاهش آلام روحی و روانی طفل بزهدیده و همچنین نحوه تأثیر آن در جلوگیری از بزهدیدگی مکرر طفل خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱-۱- ارائه خدمات مشاوره‌ای، روانپزشکی و پزشکی تخصصی

وقوع جرایم جنسی بر اطفال، فشارهای جسمی، تألمات روحی و روانی بسیاری را به دنبال می‌آورد. به طور مثال عوارض جسمی که بعد از رخداد سوءاستفاده جنسی در طفل ظاهر می‌گردد عبارت است از: «افزایش ضربان قلب، تنفس سریع، بی‌حسی، خشکی دهان، تقویت حواس به‌ویژه بویایی، افزایش ترشح آدرنالین در بدن، تکان، ریختن اشک، احساس یخ زدگی یا تجربه رویدادها در حرکت آهسته و واکنش جنگ و گریز» (خاقانی اصفهانی و احمدی، ۱۳۹۲، ۲). در کنار ایجاد عوارض جسمی پس از تروما، اختلالات روحی و روانی نیز در طفل پدیدار می‌گردد که یکی از شایع‌ترین آن‌ها، اختلال استرس پس از آسیبی^۱ است. این اختلال نوعی سندرم یا مجموعه‌ای از علائم است که در پی مواجهه با حوادث آسیب‌زای زندگی ایجاد می‌گردد و فرد به صورت ترس و درماندگی به این تجربه پاسخ می‌دهد و واقعه را دائماً در ذهن خود مجسم می‌کند، در عین حال می‌خواهد از یادآوری آن امتناع نماید.

مرکز پژوهش‌های سوءاستفاده جنسی از کودکان ایالات متحده آمریکا طی بررسی آثار جسمی، روحی و روانی بزهدیدگی جنسی اطفال، آن را براساس میزان اهمیت این گونه بیان نموده است: «عزت نفس پایین، سوءاستفاده از محرک‌های خطرناک، برانگیختگی هیجانی، اختلال خواب، افسردگی، سرکوب خشم، خصومت، گوشه‌گیری از فعالیت‌ها، مشکلات آموزشی، روی‌پردازی، از دست دادن حافظه و ناتوانی در تمرکز، احساس خفگی، ترس تعمیم یافته، مشکلات روان‌تنی (مشکلات و اختلالات روانی که خود را به شکل بیماری‌های جسمی مانند سردرد و تهوع و... نشان می‌دهد)، اختلالات رفتاری غیرآموزشگاهی، ناتوانی در برقراری یا حفظ ارتباطات، مشکلات تصور از بدن (به صورت نقص در اندام‌ها یا احساس تنفر از بدن)، ناتوانی در دریافت و انتقال هیجانات، حملات هراس و اضطراب، افکار وسواسی یا تکراری، قرار دادن خود در موقعیت‌های خطرناک، درگیری سطحی با پلیس، سرقت، خیال‌پردازی‌های خشونت‌آمیز و وسواس» (صیدی، ۱۳۸۶، ۶۹). در مرحله پس از تروما حاصله از سوءاستفاده

جنسی، کودک باید فوراً تحت درمان و معالجه قرار گیرد، چرا که اگر در وقت مناسب آلام روحی طفل مورد التیام قرار نگیرد با چالش‌های جدی‌تر و اختلالات رفتاری و روانی خطرناک‌تری مثل اسکیزوفرنیا و یا اختلالات شخصیتی مواجه خواهیم شد، که به نسبت قبل هم مستلزم صرف وقت بیشتری برای درمان است و هم هزینه‌های درمانی و روان‌درمانی بیشتری را به همراه دارد.

در واقع عدالت ترمیمی فرایندی است که به جای تکیه صرف بر مجازات مجرم، درصدد این است که فرصت و مجالی را برای بزهکار فراهم نماید تا به جبران و ترمیم خساراتی بپردازد که از ارتکاب جرم وی بر شخص بزه دیده بار شده است. در فرایندهای ترمیمی شخص بزهکار نسبت به کسانی که به آن‌ها هر نوع ضرری اعم از جسمی یا روحی وارد آورده احساس مسئولیت پیدا می‌کند و بزهکار متوجه می‌شود که بزه دیده از رهگذر این جرم چه فشارهای روانی را متحمل شده و درصدد جبران این آسیب‌ها بر می‌آید. بدون شک معالجه کودک و گذراندن دوره‌های روان‌درمانی، هزینه‌هایی را به همراه دارد که لازم است شخص بزهکار در تأمین هزینه‌های مزبور همکاری و مشارکت کافی را به عمل آورد. «در فرایند عدالت ترمیمی برآیند دقیق این هزینه‌ها توسط فرد میانجیگر آموزش دیده صورت می‌گیرد که در ضمن ارزیابی هزینه‌ها و جلب رضایت بزهکار و بزه دیده، شرایط پرداخت را مشخص و پیگیری‌های لازم را نسبت به اجرای مفاد توافق مبذول می‌دارد و در جهت تسریع بازسازی شخصیت کودک بزه دیده گام بر می‌دارد.» (هدایت، ۱۳۹۵، ۲۶۴).

در راستای ترمیمی شدن قوانین و مقررات داخلی کشور نیز لازم است قانون‌گذار در قوانین کیفری، مقرره‌ای به طور خاص در جهت جبران خسارات روحی و روانی کودکان بزه دیده در یک بستر تخصصی پیش‌بینی نماید و در کنار آن به ذکر راهکارهایی برای جبران این خسارات بپردازد. در کنار وضع مقررات قانونی، تأسیس و یا مشارکت نهادها یا ارگان‌هایی همچون کلینک‌های مشاوره‌ای، رفتار درمانی، روانپزشکی تخصصی می‌تواند در ترمیم آلام روحی کودکان مشرک واقع گردد و به اطفال کمک نماید تا هرچه سریعتر به بحران‌ها و فشارهای روانی موجود فائق آمده و به دنبال بهبود جسمانی و روانی، بتوانند دوباره به عنوان عضوی از جامعه به فعالیت خود ادامه دهند. هرچند قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و کودکان مصوب ۱۳۹۹ تحت عناوین معاضدت و حمایت از بزه دیدگان توسط پلیس، بهزیستی و قوه قضائیه سخن به میان آورده است لکن نیاز تأسیس یک نهاد یا کلینک تخصصی مجزای از پزشکی قانونی و سایر نهادهای موجود در فرایند ترمیم پزشکی و مشاوره‌ای احساس می‌شود.

در برخی کشورها «امروزه برای بازپروری بزه دیده به منظور بازگشت به جامعه و در راستای پیشگیری از تکرار بزه دیدگی کلینیک بزه دیده تعریف و ایجاد شده است. ابتدا سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های مدنی مثل انجمن حمایت از قربانیان تجاوز به عنف یا حمایت از کودکان آزار دیده تأسیس شدند که به نوعی از ابتکارات جامعه مدنی و خودجوش است. کسانی که خودشان در گذشته قربانی این جرایم بوده‌اند، این سازمان‌ها و جمعیت‌ها را ایجاد می‌کنند تا به صورت داوطلبانه قربانیان جرایم خاصی را ترمیم کنند و با دادن مشاوره به آنان آلام شان به‌ویژه دردهای عاطفی و مشکلات روانی را التیام دهند تا بزه دیده، جرم و آثار آن را کم‌کم فراموش کند و خشونت مستقر در ذهن وی با تدابیر درمانی از بین برود» (هدایت، ۱۳۹۵، ۲۷۱).

۲-۱-۱-۱-۲- جلوه‌گیری از بزه دیدگی ثانویه

بزه دیدگی ثانویه یا بزه دیدگی دومین نوعی قربانی شدن است، منتهی نه در نتیجه مستقیم فعل مجرمانه بلکه به خاطر عکس العمل و واکنش نهادها و افرادی که با بزه دیده ارتباط دارند. به طور مثال افرادی همچون مقامات قضایی اعم از ضابطین قضایی، پلیس، قاضی و... که در دستگاه عدالت کیفری خدمت می‌کنند اگر در نحوه رفتار خود با قربانیان جرایم قصور بورزند و نسبت به اظهارات و شکایات بزه دیدگان بی‌اعتنایی نمایند زمینه بزه دیدگی ثانویه افراد را ایجاد می‌کنند.

البته در کنار عملکرد ناصحیح کارکنان و متصدیان دستگاه عدالت کیفری، عوامل متعدد دیگری همچون «سیاست‌ها و تشریفات حاکم بر بیمارستان‌ها، برنامه‌های شتاب زده اتاق اورژانس، نقض حق خلوت بزه دیده تعرض جنسی، واکنش‌های نامناسب کارکنان مدرسه در قبال کودکی که مورد آزار قرار گرفته است، تلاش رهبران روحانی در تشویق بزه دیدگان به عفو بزه‌کار قبل از آن که آمادگی لازم را داشته باشند، انجام تحقیقات و فیلمبرداری و گرفتن عکس و ارائه گزارش مزاحمت‌آمیز رسانه‌ها می‌تواند در ایجاد بزه دیدگی ثانویه مؤثر باشد» (خاقانی اصفهانی و احمدی، ۱۳۹۲، ۶). علاوه بر موارد فوق، طریقه برخورد و نگرش اطرافیان کودک قربانی اعم از خانواده وی، معلم، دوستان و آشنایان و... نیز می‌تواند در تشدید تنش به وجود آمده مؤثر و اوضاع را وخیم‌تر کند. رفتارهای آنان می‌توانند منشأ شکل‌گیری احساسات ناخوشایندی همچون حس گناه و شرمساری در کودک گردد. در واقع عواملی از جمله عدم پذیرش کودک، شماتت و سرزنش مداوم، عدم حمایت عاطفی و روحی از کودک، خلدشه دار شدن

حیثیت کودک، انگشت نما شدن کودک به جهت داغ و ننگ بزه دیده جنسی بودن و فشارهای روانی حاصله از آن، کودک را در آستانه بزه دیدگی مجدد قرار می‌دهد. البته باید توجه داشت که از لحاظ جرم‌شناختی گاهی نتیجه برعکس شده و کودکی که در دوران خردسالی قربانی خشونت جنسی شده در بزرگسالی می‌تواند به یک آزارگر جنسی تبدیل گردد.^۲

اما در فرایند عدالت ترمیمی دیگر شاهد بی‌اعتنایی نسبت به بزه دیده و رفتار ناصحیح کارکنان دستگاه عدالت کیفری نیستیم، چرا که در این فرایند بزه دیده و نیازهای وی در کانون توجه قرار دارد و به بزه دیده فرصت کافی جهت تشریح داستان بزه دیدگی و دردها و رنج‌های ناشی از جرم داده می‌شود. عدالت ترمیمی می‌کوشد تا با به کارگیری مشارکت مدنی (که به عنوان رویکرد نوین مکتب عدالت ترمیمی محسوب می‌گردد) در ترمیم وضعیت کودک بزه دیده گام بردارد و با ارائه تمهیدات بازپرورانه و حمایت‌های عاطفی و روحی به موقع درصدد است تا هرچه سریعتر آلام حاصله از جرم را بهبود بخشیده و از ننگ و برجسب انحراف جلوگیری به عمل آورد. یکی از نمونه‌های مشارکت مدنی را می‌توان در کمک نهاد مدرسه و کارکنان آن نسبت به کودکی دانست که در مدرسه مورد اذیت و آزار جنسی قرار گرفته است. مربیان و معلمان می‌توانند با تشکیل جلسات و نشست‌های گروهی که با والدین کودک دارند، درخصوص انتقال کودک به مدرسه‌ای دیگر تصمیم‌گیری نمایند و به نوعی کودک را به مکان امنی منتقل کنند تا هم از بزه دیدگی مکرر وی جلوگیری شود و هم کودک با احساس امنیت و طیب خاطر بیشتری به تحصیل خود ادامه داده و این خاطره تلخ را به تدریج به فراموشی سپارد.

۲-۱-۱- راهکار عدالت ترمیمی در قبال بزهکاران جنسی

در این بند به نقش عدالت ترمیمی در فرایند بازپروری بزهکار، جلوگیری از برجسب انحراف و اصلاح و درمان وی خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱- بازپروری بزهکار (از طریق شرمساری)

عدالت ترمیمی علاوه بر این که درصدد یافتن راه‌هایی برای جبران خسارت بزه دیده است، در اندیشه بازپروری بزهکار نیز هست و توانسته تأثیر به‌سزایی در بهبود اوضاع بزهکاران داشته باشد. «بریث ویت» عدالت ترمیمی را فرایند بازسازی بزه‌دیده- بزهکار می‌داند. در فرایند بازسازی بزهکار معتقد است: «که

۲- پرونده معروف بیجه از مصادیق همین امر است.

بزهکاران پس از شرمساری همراه با بازداشت نیاز به این دارند که کرامت انسانی آن‌ها ترمیم گردد. این ترمیم کرامت به نظر «بریث ویت» از رهگذر رویایی با بزه دیده، مسئولیت‌پذیری در برابر پیامدهای برخواسته از جرم و پوزش خواستن وی از بزه دیده انجام می‌شود. وی علت اصلی ارتکاب جرم را احساس ناامنی و ناتوانمندی بزهکاران می‌داند چراکه آن‌ها به دلیل این که احساس می‌کنند مورد ظلم واقع شده‌اند (مثل اقلیت‌ها) دست به ارتکاب جرم می‌زنند» (ویت، ۱۳۸۵، ۵۴۸).

«بریث ویت» جامعه‌شناس و جرم‌شناس معروف استرالیایی، در سال ۱۹۸۹ میلادی نظریه شرمساری را مطرح نمود و آن را به دو نوع تقسیم نمود: نظریه شرمساری بازپذیرکننده و نظریه شرمساری برچسب زنده. وی معتقد است که عدالت ترمیمی مبتنی بر نظریه شرمساری بازپذیرکننده^۳، بیش از شیوه‌های موجود در عدالت کیفری به کاهش جرم می‌انجامد. در واقع در شرمساری بازپذیرکننده شخص به نادرستی رفتار ارتكابی خود، قانون شکنی و نقض هنجارهای جامعه پی می‌برد. در این نوع شرمساری رفتار مجرمانه فرد مورد رد و طرد قرار می‌گیرد نه شخص بزهکار، که این موضوع سبب هموار شدن مسیر تحقق بازپذیری در خانواده و اجتماع می‌گردد (غلامی، ۱۳۸۵، ۱۰۶). در طی این فرایند، بزهکار به پیامدهای جرم خود آگاه می‌گردد و با احساس ندامت و پشیمانی روبرو شده و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا صدمات و لطمات وارده بر بزه دیده را جبران نماید. در واقع به نوعی می‌توان گفت وجدان خفته بزهکار بیدار می‌گردد. یعنی برخلاف حقوق کیفری که به دنبال مجازات کردن جسم انسان است در شرمساری روح و وجدان طرف مجازات می‌گردد. در فرایند مذکور، «بزهکاران ضمن مراجعه به خویشان و ارزیابی خود نسبت به ایجاد ارتباط مناسب با اطرافیان و جامعه اقدام نموده و از نقض مکرر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خودداری می‌نمایند. به عبارت بهتر این پروسه از تکرار جرم پیشگیری و نرخ جرایم را کاهش می‌دهد» (waite, 1989, 362). بزهکاران جنسی نیز در طی این پروسه با حس شرمساری درونی روبرو شده و درصدد عذرخواهی و جبران آسیب‌های وارده بر کودک برآمده و سعی می‌کنند، به شهروندی مطیع قانون و هنجارهای اجتماعی مبدل گردند.

۲-۲-۱-۱- جلوه‌گیری از برچسب انحراف

در فرایند ترمیمی اصل بر این است که از تکرار جرم جلوگیری گردد و یکی از اهداف مهم آن بازپروری بزه‌کار و برگرداندن آن به جامعه از طریق جلوه‌گیری از برچسب زنی می‌باشد. «تانن بام» نخستین فردی بود که در کتاب خود به نام «جرم و اجتماع» به مسئله انگ یا برچسب زنی پرداخت و بعد از آن «هوآرد بیکر» در اثر خود به نام «جامعه‌شناسی انحراف» فصلی را به برچسب زنی اختصاص داد. «برچسب زنی روندی است که در طی آن جامعه عنوان مجرمانه را به شخص اطلاق می‌کند و این عمل باعث می‌شود که فرد از گروه یا جامعه طرد شده، هویت منفی در او نهادینه شود و انحراف در او تقویت شود» (معظمی، ۱۳۹۵، ۱۸۸). «لینک» و «فلن» معتقداند که در ایجاد یک برچسب یا ننگ پنج عامل مؤثر است: شناسایی تفاوت‌های انسانی و برچسب زدن. باورهای معمول جامعه که شخص برچسب خورده را با خصوصیات نامطلوب پیوند می‌دهد. طبقه‌بندی افراد و جداکردن گروه برچسب خورده و آن‌ها در مقابل ما. افراد ننگ خورده با از دست دادن موقعیت، تبعیض که منجر به پیامدهای نابرابر می‌شود را تجربه می‌کنند. نقش اساسی قدرت اجتماعی و سیاسی توسط گروهی مسلط که منجر به طرد و تبعیض علیه گروه افراد برچسب خورده می‌شود (Link&Phelan,2006,582).

درواقع فرایند برچسب زنی سبب می‌گردد فردی که برچسب خورده، از جامعه طرد گردد و همچنین به انجام رفتارهای مجرمانه دیگری نیز مبادرت ورزد و به تبع هم نشینان خود را از میان کسانی انتخاب کند که همانند او تجربه تلخ داغ ننگ را چشیده‌اند. در طی پروسه دادرسی کیفری به مرتکب جنسی برچسب مجرم یا منحرف زده می‌شود، حال این برچسب می‌تواند از سوی دادگاه و دستگاه قضایی باشد و یا از سوی جامعه که بر اثر این برچسب فرد مرتکب از درون و در اثر فشارهای بیرونی (جامعه) این امر را در خود نهادینه می‌کند که وی یک فرد منحرف و عنصری نامطلوب به حساب می‌آید. به تبع پذیرش این امر، وی خود را فاقد جایگاه اجتماعی می‌پندارد و در نتیجه برای کسب جایگاه اجتماعی به بزهکاری مجدد روی می‌آورد که در اصطلاح همان انحراف ثانویه است.

۳-۲-۱-۱- اصلاح و درمان (ناظر بر بزه‌کار)

درمان و توانبخشی بزه‌کار و کمک به وی برای بازگشت به جامعه از جمله اهداف مهم عدالت ترمیمی است.

از آنجایی که بسیاری از مجرمان و منحرفان جنسی بر اثر عوامل مختلف درونی و بیرونی دست به ارتکاب جرائم جنسی می‌زنند، قطعاً صرف مجازات کردن آن‌ها برای اصلاح و درمان کفایت نمی‌کند، اگرچه مجازات می‌تواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد اما اصلاح و درمان بزهکار با اتخاذ تدابیر غیر کیفری امکان‌پذیر است. کسانی که به عنوان منحرف جنسی شناخته می‌شوند بی‌شک باید در طی یک دوره درمانی، مورد معالجه قرار گیرند و از منظر روانی و رفتاری اصلاح گردند. به طور کلی، انحرافات جنسی به نوعی از اختلالات گفته می‌شود که «فرد به موجب آن‌ها خیال پردازی‌ها، تمایلات جنسی یا رفتارهایی دارد که از لحاظ جنسی به طور دائم برای او محرک هستند. افراد مبتلا به این انحرافات از لحاظ روانی آنچنان به هدف جنسی خاص خود وابسته هستند که تنها در صورتی می‌توانند ارضای جنسی را احساس کنند که این هدف به نوعی وجود داشته باشد، در غیر این صورت ناراحتی قابل ملاحظه‌ای را احساس می‌کنند» (کی‌نیا، ۱۳۷۶، ۵۸۲). انحرافات جنسی مثل پارافیلیا یا پدوفیلیا، مالشگری جنسی، عورت‌نمایی یا نمایشگری جنسی جزء انحرافات جنسی هستند که قربانی آن می‌تواند کودک باشد، بنابراین باید ریشه‌ای درمان گردند.

اتخاذ واکنش‌های کیفری با رویکرد سزاگرایانه در برخورد با چنین مجرمان و منحرفین جنسی، نتیجه‌ای جز انزوا و طرد آن‌ها نخواهد داشت، البته از بازپروری مجرم نیز جلوگیری و موجب شرمساری برچسب زنده نیز خواهد گردید. متأسفانه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ حمایت‌ها و معاضدت‌های خود را مختص به بزه دیده نموده است و اساساً نه در این قانون و نه در سایر قوانین نیز توجهی به اصلاح و درمان بزهکار نشده است.

۱-۲- نقش سیاست جنایی مشارکتی در مواجهه با بزه دیدگی جنسی کودکان

در سیاست جنایی مشارکتی مردم و جامعه مدنی در پاسخ به پدیده مجرمانه و کنترل آن مشارکت داده می‌شوند و این جنبه از سیاست جنایی ممکن است با دیگر سیاست‌های جنایی تقنینی، قضایی و اجرائی در ارتباط باشد. در اینجا است که نقش جامعه مدنی در سیاست جنایی متجلی می‌گردد. به عبارت دیگر سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه مدنی در سیاست جنایی است (عظیمی زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰، ۱۲۱). در ذیل به نقش جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای کمک به کودک بزه دیده جنسی خواهیم پرداخت.

«سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (سمن‌ها)، جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و

برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیتهای غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند» (وروایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۸). این سازمان‌ها در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه یا زیست محیطی و امثال آن فعالیت می‌کنند. اهداف این سازمان‌ها بهبود وضعیت موجود در جامعه و حفاظت از منافع ملی و مصالح عمومی است. در بند الف ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان غیردولتی مصوب ۱۳۸۴/۰۵/۰۸، سازمان‌های مردم‌نهاد چنین تعریف شده است: سازمان‌های غیردولتی که در این آیین‌نامه سازمان نامیده می‌شود، به شکل‌هایی اطلاق می‌گردد که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد.

قانون‌گذار در ماده‌های ۹۵، ۹۷ و ۹۸ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، در حوزه مربوط به کودکان دولت را مکلف به انجام اقدامات ذیل نمود: ارتقاء و مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم، خدمات‌رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌دهی و توسعه مشارکت‌های مردمی و خدمات داوطلبانه در عرصه بهزیستی و برنامه‌ریزی، اقدامات لازم برای حمایت از مؤسسات خیریه و غیردولتی با رویکرد بهبود فعالیت تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم نمودن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی، با اعمال سیاست‌های تشویقی. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز درخصوص نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در جایی که بزه دیده کودک باشد می‌گوید: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند». همچنین تبصره ماده ۳۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مقرر داشته: «دادگاه می‌تواند علاوه بر موارد ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی از نماینده مطلع سازمان‌های مردم‌نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق اطفال و

نوجوانان هستند، برای حضور در جلسه دعوت کند». همان‌طور که مشخص است قانون‌گذار در تبصره فوق در جهت حمایت از اطفال و نوجوانان و گسترش نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، حضور نماینده مطلع سازمان‌های مردم‌نهاد را به شرط دعوت دادگاه بلامانع نموده است.

یکی از انواع سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن حمایت از حقوق کودکان است که از سال ۱۳۷۳ شروع به فعالیت کرده و یکی از فعالیتهای مهم این انجمن تلاش در جهت تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بوده است.

۱-۳- نقش سیاست جنایی اجرایی در مواجهه با بزه دیدگی جنسی کودکان

«منظور از سیاست جنایی اجرایی اقدامات و تدابیری است که قوه مجریه، هیات وزیران و وزارتخانه‌های مختلف دولتی در قبال مواجهه با جرایم اتخاذ می‌نمایند. در این مرحله سیاست جنایی از حالت نوشتاری و مکتوب خارج شده و شکل اجرایی و کاربردی به خود می‌گیرد. برنامه‌های قوه مجریه در کنترل جرایم می‌تواند شامل اوضاع مختلف سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باشد» (وروی و فتاحی، ۱۳۹۱، ۲۶). در بند ذیل به نقش ارگان‌های دولتی اعم از نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، اورژانس اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت آموزش پرورش در اجرای سیاست‌های قانون‌گذار خواهیم پرداخت. بی‌شک همکاری و مساعدت سازمان‌ها و نهادهای دولتی اعم از نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، اورژانس اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما می‌تواند نقش به‌سزایی در راستای مبارزه با کودک‌آزاری بالاخص کودک‌آزاری جنسی داشته باشد. در ذیل به شرح چگونگی همکاری مؤثر این نهادها در جلوگیری از بزه دیدگی جنسی اطفال خواهیم پرداخت.

۱-۱-۳- نیروی انتظامی

اول- نقش پلیس در حمایت از بزه دیده و افزایش رقم سیاه بزهکاری. «نهاد پلیس یا ضابطان دادگستری از جمله نهادهای نظام عدالت کیفری‌اند که در طول دادرسا قرار داشته و عهده دار انجام تحقیقات مقدماتی در فرایند کیفری البته با نظارت دادرسا است» (یوسفی مراغه، ۱۳۸۸، ۱۳۵). برقراری نظم، امنیت و آسایش عمومی همان‌طور که در بند اول ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ آمده

است جز وظایف اساسی پلیس محسوب می‌گردد.

پلیس از جمله نهادهایی است که وجود آن در همه جوامع لازم و ضروری است. رفتار و عملکرد پلیس به عنوان نخستین مرجع رسمی حمایت از بزه دیده، تأثیر به‌سزایی در نوع برداشت بزه دیده از دستگاه عدالت کیفری دارد. برخورد مناسب مأموران پلیس می‌تواند در ایجاد احساس امنیت و رضایت خاطر بزه دیده تأثیر چشمگیری داشته باشد و در مقابل رفتار نسنجیده آن‌ها ممکن است حس ترس، ناامنی و پشیمانی از مراجعه به دستگاه عدالت کیفری را به دنبال آورد. «برخی از آسیب دیدگان از بیم رفتار غیرمنطقی مأموران پلیس از گزارش وقوع خشونت یا درخواست تعقیب متهم سر باز می‌زنند. همچنین باور عمومی بزه دیدگان نسبت به ناکارایی پلیس، به این معنا که پلیس نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به آن‌ها کمک کند و مرتکب جرم را دستگیر کند، یکی دیگر از دلایل مهم برای گزارش ندادن جرایم است. در این اوضاع بزه دیده به دلیل نداشتن تأمین جانی و ترس از انتقام جویی مرتکب، از شکایت صرف‌نظر می‌کند» (قاسمی، ۱۳۹۰، ۸۵). نیروهای پلیس معمولاً جزء نخستین افرادی هستند که با فرد بزه دیده برخورد دارند و به نوعی کلاتری‌ها اولین جایی محسوب می‌گردند که بزه دیدگان برای استمداد و طرح شکایت به آنجا مراجعه می‌کنند، لذا انتظار می‌رود که پلیس در نهایت احترام و لطف با آن‌ها رفتار نماید و در جایی که بزه دیده جرم خردسال است با توجه به ضعف قوای جسمانی و روحی که بر کودک حاکم است، رفتار توأم با عطف و حساسیت داشته باشد.

دوم- پلیس و کودک بزه دیده. پلیس باید در برخورد با کودک بزه دیده، به گونه‌ای رفتار نماید که احساس اعتماد و امنیت را برای وی به ارمغان بیاورد و به نیازهای کودک توجه نماید. در کنار آن باید در درون کودک و والدین وی این اطمینان خاطر را ایجاد نماید که مسئله بزه دیدگی کودک با حساسیت، جدیت و دقت بالایی پیگیری می‌گردد. چراکه اگر این احساس آرامش خیال در افراد شکل نگیرد ما شاهد افزایش رقم سیاه بزهکاری خواهیم بود، همان‌طور که پروفیسور «عبدالفتاح» در این زمینه می‌فرماید: «برای جلب اعتماد بزه دیدگان و تقلیل آمار بزه دیدگی‌های گزارش نشده باید به افرادی که در نظام عدالت کیفری کار می‌کنند، آموزش‌های لازم در زمینه نیازهای بزه دیدگان و چگونگی رفع این نیازها داده شود» (توجهی، ۱۳۸۸، ۶۲۴). درخصوص دیدار کودکان بزه دیده بالاخص کودکان بزه دیده جنسی با پلیس لازم است سازوکارهایی پیش‌بینی گردد از جمله این که تا حد امکان از ضابطان زن، متبحر و

کارآزموده در بازجویی و تحقیقات استفاده گردد. خوشبختانه به طور عام در ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این مسئله پیش‌بینی گردیده است: «در صورت امکان، بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود». همچنین بند ۶ ماده قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مقرر داشته: «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از طریق پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف است: نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه و یا شکایت از آنان، حسب مورد برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور با مراجع قضائی و انجام حمایت‌های مورد نیاز براساس این قانون یا سایر قوانین مرتبط اقدام کند».

اما جا دارد که قانون‌گذار به طور مستقل و ویژه در انجام تحقیقات و رسیدگی‌های جرایم جنسی علیه اطفال به کارگیری ضابطان زن متخصص و مشاورینی مسلط بر علوم جرم‌شناسی، روان‌شناسی و بزه دیده‌شناسی را الزام آور نماید، چراکه «چنین نیروهایی از زنان در ساختار پلیسی و انتظامی قادر خواهند بود جوی توأم با اعتماد، تأمین آرامش و امنیت را برای بزه دیدگان ایجاد کرده و به شکل حرفه‌ای و با آمادگی‌های لازم با موضوع برخورد کنند» (عظیم زاده، ۱۳۸۴، ۲۱۷).

۲-۱-۳- سازمان بهزیستی و حمایت از اطفال

سازمان بهزیستی به عنوان یکی از سازمان‌های کنشگر غیرقضایی و دولتی محسوب می‌گردد که در حوزه مبارزه با کودک‌آزاری نقش مهمی را ایفاء می‌نماید و متولی خط تلفن ویژه اعلام کودک‌آزاری نیز محسوب می‌گردد. این سازمان به طور کلی از اطفال حمایت به عمل می‌آورد و به آسیب‌های اجتماعی نیز رسیدگی می‌نماید. نهاد یا مجموعه‌ای خاص در بهزیستی برای مبارزه با کودک‌آزاری وجود ندارد ولی بیشتر تلاش این سازمان در راستای رسیدگی و توجه به کودکان خیابانی و بدسرپرست و یا بی‌سرپرست معطوف شده است.

البته که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ وظایف بسیار مهمی برعهده این نهاد گذارده شده است و سازمان بهزیستی را متولی اصلی مبارزه با کودک‌آزاری دانسته است. در بند پ ماده ۵ این قانون آمده است که، اطفال و نوجوانانی را که در معرض خطرند یا بزه دیده واقع شده‌اند، می‌توان در صورت عدم وجود شرایط مناسب در خانواده به بهزیستی معرفی شوند. در ماده ۶ قانون مذکور سازمان

بهبودی مکتف گردیده است که: «با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب فوریت‌های خدمات اجتماعی با همکاری شهرداری یا دهیاری و نیروی انتظامی نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون و اعلام موضوعات به مراجع صالح اقدام کند. همچنین در راستای وظایف قانونی و وظایف مقرر در این قانون از همکاری و مشارکت دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ استفاده کند. دستگاه‌های اجرایی مکلفند در چهارچوب وظایف قانونی با سازمان همکاری نمایند. نسبت به اخذ و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان و انجام اقدامات لازم برای افزایش آگاهی‌های مردم در این زمینه اقدام کند». در بند آخر قانون‌گذار وظیفه بسیار مهمی را در جهت پیشگیری از وقوع جرم علیه اطفال برعهده این سازمان نهاده است. در این بند آمده است که سازمان بهزیستی باید نسبت به اخذ و جمع‌آوری اطلاعات مربوطه به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان و انجام اقدامات لازم برای افزایش آگاهی‌های مردم در این زمینه اقدام کند.

۳-۱-۳- اورژانس اجتماعی

مهم‌ترین فعالیت سازمان بهزیستی در زمینه کودک آزاری در قالب طرح اورژانس اجتماعی صورت می‌گیرد که از سال ۱۳۸۷ تأسیس گردیده و شروع به فعالیت نموده است. این نهاد سعی دارد در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مداخله نماید و آن را کنترل کند. اهداف مهم این سازمان عبارت است از: «ارتقاء سطح دانش و آگاهی افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی در خصوص مسائل و مشکلات اجتماعی و کمک به درک خود در شرایط بحرانی، ارتقاء توانمندی‌های افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی جهت مقابله با مسائل فردی و اجتماعی در شرایط بحرانی از طریق ارائه خدمات تخصصی به موقع، ارتقاء آگاهی‌ها و شناخت خانواده و اجتماع نسبت به نیازهای مراجعان، شناسایی مناطق و کانون‌های آسیب‌زا و اقدامات تخصصی در بحران زدایی و شناسایی آسیب‌های اجتماعی جدید» (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۸۸).

خط تلفنی که برای اعلام کودک آزاری اختصاص داده‌اند خط ۱۲۳ است که خود کودکان بزه دیده یا کسانی که شاهد کودک آزاری بوده‌اند، می‌توانند از این طریق از این نهاد استمداد بطلبند. کودکانی که از سوی والدین خود، آشنایان یا هر فرد دیگری مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند یا کسانی که به خاطر

اختلال هویت جنسیتی (تراجنسیتی ها) دچار بحران روحی هستند و از رهگذر این اختلال هویتی ممکن است در معرض بزه دیدگی قرار بگیرند یا دچار بزه دیدگی شده‌اند، می‌توانند از طریق تماس با این مرکز به مددکاران اجتماعی اطلاع داده تا برای حل این مشکل دست به کار شوند. «در این نهاد اقدامات اجرایی از جمله خدمات تخصصی مددکاری، روان‌شناسی، بهداشتی، درمانی و زیستی بسته به مشکل افراد به صورت سرپایی و یا نگهداری موقت (بیست تا چهل روزه) ارائه می‌گردد. در صورت ترخیص نیز بازگشت به خانواده مهم‌ترین هدف سازمان است. در صورت فقدان یا مناسب نبودن خانواده نیز فرد را به مراکز بهزیستی یا مراکز مربوط به آسیب دیدگان اجتماعی معرفی می‌نمایند» (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۵۴).

ماده ۳۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مقرر داشته: «مددکاران اجتماعی بهزیستی پس از کسب اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده ۳ این قانون، حسب مورد تحقیقات و اقدامات مقتضی را از طرق زیر انجام می‌دهند: الف- دعوت والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اشخاص مرتبط با طفل و نوجوان و در صورت لزوم دعوت از طفل و نوجوان به همراه آن‌ها. ب- مراجعه به محل سکونت، اشتغال و تحصیل طفل و نوجوان و یا سایر محل‌های مرتبط به همراه ضابطان دادگستری در صورت نیاز». لازم به توضیح است که قانون‌گذار در ماده‌های ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۴۰ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ به نحو گسترده‌ای توجه ویژه‌ای به سازمان بهزیستی و مددکاران اجتماعی داشته تا جایی که در صورت لزوم و در بعضی موارد مقام قضایی می‌تواند وظیفه تحقیقات مقدماتی را به عهده مددکار اجتماعی بگذارد و همچنین در مواردی ضابطان دادگستری مکلف به تبعیت از دستورات آنان هستند.

۴-۱-۳- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مسئله کودک آزاری

در جمهوری اسلامی ایران تا قبل از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به صراحت در قوانین موضوعه، وظیفه‌ای در زمینه کودک آزاری برعهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده نشده بود «اما از آنجا که هدف از تأسیس این وزارتخانه، فراهم نمودن موجبات تأمین بهداشت و درمان کلیه افراد کشور از طریق گسترش خدمات بهداشتی، درمانی و آموزشی است، بنابراین در خصوص ارائه خدمات درمانی (از لحاظ جسمی و روانی) به کودکان آزار دیده، یکی از مهم‌ترین مراکز مسئول در حوزه پاسخ‌دهی به کودک آزاری محسوب می‌شود» (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۹۴).

به موجب بند ج ماده ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در زمینه مبارزه با پدیده

کودک آزاری، وظایفی برعهده این سازمان گذارده شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد: «تدوین دستورالعمل‌های بهداشت کار و مراقبت پزشکی برای انطباق شرایط کار نوجوانان با استانداردهای لازم؛ پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب‌دیده در تمام مراکز بهداشتی درمانی همراه با ارسال گزارش موارد مشکوک به آزار به مراجع قضائی و بهزیستی؛ پوشش کامل بیمه سلامت برای تمام اطفال و نوجوانان ساکن ایران». همان‌طور که از بند دوم ماده مزبور برمی‌آید کادر درمانی مکلف شده است که در صورت مشاهده هرگونه کودک آزاری در انجام معاینات خود اعم از کودک آزاری جنسی، آن را به نهادهای زیربط اطلاع دهد. این وظیفه به این صراحت در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ برعهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده نشده بود و ما به صورت ضمنی چنین برداشتی را استنباط می‌کردیم که منظور از لفظ عام افراد و مؤسساتی که موظف به اعلام کودک آزاری اند می‌تواند کادر پزشکی نیز باشد.

در هر حال «کادر پزشکی بیمارستان‌ها موظفند در مواجهه با کودک بزه دیده در نهایت کرامت و احترام برخورد کرده و رفتار با بیمار همراه با حساسیت و توجه (هم نسبت به شرایط جسمی آنان و هم نسبت به تأثیر روانی احتمالی بزه دیدگی) می‌تواند به فرایند التیام بخشی جسمی و روانی وی کمک کند» (خاقانی اصفهانی و احمدی، ۱۳۹۲، ۱۱). از آنجا که گزارش کادر پزشکی از وضعیت بزه دیده بالاخص کودک بزه دیده جنسی می‌تواند به عنوان مدرک و دلیل مهمی در پرونده کیفری تلقی گردد و یاری رسان مقام تعقیب در پروسه تحقیق و جمع‌آوری ادله می‌باشد، باید با حساسیت و توجه بالایی صورت گیرد به نحوی که آسیب‌های روانی ناشی از معاینه بدن به حداقل برسد.

۵-۱-۳- وزارت آموزش و پرورش

وزارت آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در پیشگیری از پدیده کودک آزاری به ایفای نقش پردازد. اگرچه در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ به صورت ضمنی و ابهام‌آمیز وظیفه اطلاع‌رسانی کودک آزاری برعهده این نهاد قرار داده شده بود اما در بند چ ماده ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ این وظیفه به صراحت پیش‌بینی گردیده است و وظایفی را در راستای پیشگیری از کودک آزاری به این وزارتخانه محول کرده است.

وظایف آن به شرح ذیل است: «وزارت آموزش و پرورش مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد: اعلام موارد عدم ثبت نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه حسب مورد جهت انجام اقدامات لازم؛ شناسایی، راهنمایی و معرفی اطفال و نوجوانان موضوع این قانون به نهادهای حمایتی و قضائی جهت انجام اقدامات حمایتی لازم؛ انجام اقدامات لازم جهت ثبت نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه؛ آموزش مدیران و کارکنان آموزشی و اداری در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان». بند دوم و بند چهارم قسمت چ این ماده می‌تواند تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از کودک آزاری بالاحص کودک آزاری جنسی داشته باشد. در واقع مدیران، معلمان و مربیان مدرسه موظفند اگر در محیط کاری خود شاهد آزار جنسی دانش آموز خود، خواه توسط دانش آموزان دیگر خواه توسط کادر آموزشی مدرسه باشند آن را اطلاع‌رسانی کرده و اگر خارج از محیط مدرسه کودک توسط والدین یا افراد دیگر مورد اذیت و آزار جنسی قرار گرفته باشد و کادر آموزشی متوجه این مسئله شده باشند، موظفند آن را به نهادهای ذیربط گزارش دهند. در سطح مدارس نیز لازم است که کارگاه‌های آموزشی ویژه معلمان و مدیران برای آشنایی با چگونگی برخورد با پدیده کودک آزاری برگزار گردد. در کنار آن وزارت آموزش و پرورش باید تلاش‌های لازم را جهت برگزاری دوره‌های آموزشی در جهت آموزش حقوق کودک مبذول دارد تا از رهگذر این دوره‌های آموزشی، کودکان با حقوق قانونی خود آشنا شده و آگاه گردند که اگر مورد هرگونه آزار و اذیت و سوءاستفاده دیگران اعم از جنسی، جسمی و روحی قرار گرفتند نباید سکوت کنند و حسب مورد باید به والدین، معلمان و نهادهای مربوطه چون اورژانس اجتماعی اطلاع دهند.

بنابراین «سازمان آموزش و پرورش بایستی اقدامات پیشگیرانه را سرلوحه خود قرار داده و تمهیداتی بیاندیشد تا در مدارس و محیط‌های آموزشی، خصوصاً از همان مهدکودک و دبستان، کودکان را نسبت به حقوق شان بیشتر آشنا سازند. کتب کمک آموزشی نظیر کتاب‌های رشد و مهارت‌های زندگی، بروشورها، پوسترها، بولتن‌ها، تصاویر کودکانه و هر نوع وسیله آموزشی دیگری که بتواند خانواده خود کودکان قرار گیرد» (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۱۸).

۶-۱-۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵ در زمینه حقوق کودک برای این نهاد وظیفه‌ای پیش‌بینی نشده است، اما در برخی قوانین چون قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹^۴، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳^۵ و قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲^۶ در خصوص حقوق کودک، وظایفی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر گرفته شده است (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۲۶). به طور کلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند در زمینه پیشگیری از کودک آزاری جنسی از طریق رشد فرهنگی جامعه و تقویت باورهای اخلاقی نقش مهمی را ایفاء نماید. «اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف و شکوفایی استعدادها و روحیه تحقیق، تتبع و ابتکار در جامعه از جمله وظایفی است که در قانون اهداف و وظایف فرهنگ و ارشاد اسلامی برای این نهاد پیش‌بینی شده است و این وزارتخانه با بهره‌گیری از وسایل و امکانات هنری، سمعی و بصری، کتب، نشریات، برگزاری گردهمایی‌های فرهنگی و... می‌تواند در افزایش آگاهی‌های عمومی و آموزش ارتباط مطلوب با کودکان و در نتیجه پیشگیری از کودک آزاری مؤثر باشد» (ایروانیان و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۶۲).

۷-۱-۳- سازمان صداوسیما

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ وظایفی بر عهده سازمان صداوسیما نهاده شده است. در بند ج ماده ۵ این قانون آمده است: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران در راستای رسالت خود مبنی بر اطلاع‌رسانی در مورد حقوق اطفال و نوجوانان موظف است اقدامات زیر را انجام دهد: تولید و پخش برنامه‌های منظم برای بالا بردن سطح اطلاعات عموم مردم در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان. طراحی و ایجاد نظام رده‌های سنی و محتوایی آثار و محصولات صداوسیما در برنامه‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان. همکاری با سایر نهادها و دستگاه‌های مندرج در این قانون بر پایه تولید آثار و برنامه‌های علمی، آموزشی و فرهنگی جهت تحقق اهداف

۴- ماده ۱۱

۵- ماده ۱۰۴

۶- بند ج ماده ۲

این قانون. جلوگیری از تولید، پخش یا تبلیغ هر برنامه یا محصول مضر به سلامت، تربیت، اخلاق، یا سایر حقوق اطفال یا نوجوانان. تدوین و اجرای ضمانت اجراهای اداری و انضباطی برای تهیه کنندگان، مجریان و دست اندکاران تولید و پخش برنامه‌های صداوسیما در راستای اجرای این قانون».

نتیجه

از آنجاکه در فرایند عدالت ترمیمی از یک سو بزه دیده در کانون و رأس توجه قرار دارد و یکی از اهداف اصلی این فرایند جبران ضرروزیان‌های وارده به کودک بزه دیده است، می‌توان با استفاده از دستاوردهای عدالت ترمیمی مانند تمسک به ارائه خدمات مشاوره‌ای و پزشکی و جلوگیری از بزه دیدگی ثانویه کودکان، از وقوع جرایم جنسی علیه آنان جلوگیری نمود و یا در جهت تسکین آلام روحی و روانی آنان گام‌های مؤثری برداشت و از سوی دیگر عدالت ترمیمی علاوه بر توجه به کودک بزه دیده، به بزه‌کار نیز اهمیت می‌دهد و از طریق کاربست نظریه شرمساری، مرتکب را متوجه این امر می‌سازد که طفل بزه دیده از رهگذر جرم وی دچار چه تألمات روحی و آسیب‌های جسمی گردیده است و پس از آن مرتکب از عمل خویش اظهار ندامت کرده و درصدد جبران خسارات برآمده و متعهد می‌گردد به عنوان شهروندی قانونمدار رفتار کرده، از تکرار جرم اجتناب کرده و اصلاح گردد. در اعمال سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین ارگان‌های دولتی از قبیل نیروی پلیس، سازمان بهزیستی، ارژانس اجتماعی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و... برای مقابله با بزه دیدگی جنسی اطفال می‌توانند نقش مهمی را ایفاء کرده و از طریق اعلام موارد کودک‌آزاری جنسی به مراجع ذیربط و مداخله فوری و به موقع خویش از بزه‌دیدگی مکرر کودکان جلوگیری می‌نمایند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- ایروانیان، امیر؛ سیدزاده ثانی، سیدمهدی؛ متولی زاده نایینی، نفیسه؛ جوانمرد، بهروز؛ مالجو، محسن، ۱۳۸۹، **کودک آزاری از علت شناسی تا پاسخ دهی**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- توجهی، عبدالعی، ۱۳۸۸، اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی سیاست جنایی تقنینی ایران، **علوم جنایی**، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
- خاقانی اصفهانی، مهدی و احمدی، مینا، ۱۳۹۲، اقتضانات عدالت کیفری درباره کودکان بزه دیده از جرایم خشونت بار و مبتلا به اختلال PTSD، **کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه دیدگی کودکان و نوجوانان**.
- صیدی، معصومه، ۱۳۸۶، **در سوگ زندگی (بررسی پدیده کودک آزاری)**، چاپ اول، تهران، انتشارات شیرازه.
- عظیم زاده، شادی، ۱۳۸۴، پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۲ و ۵۳.
- عظیم زاده اردبیلی، فاتره و حسابی، ساره، ۱۳۹۰، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۴.
- غلامی، حسین، ۱۳۸۵، **عدالت ترمیمی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- قاسمی، مسعود، ۱۳۹۰، نقش پلیس در کاهش آسیب‌های ناشی از بزه دیدگی، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۱۸.
- کپتین، هنریک و مالچ نیکل، مارک، ۱۳۸۴، **جرم، بزه دیدگان و عدالت مقالاتی در مورد اصول و رویه**، ترجمه دکتر امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، تهران، انتشارات خلیلیان.
- کی نیا، مهدی، ۱۳۷۶، **روان‌شناسی جنایی**، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
- معظمی، شها، ۱۳۹۵، **بزهکاری کودکان و نوجوانان**، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دادگستر.
- ویت، بریث، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، ترجمه دکتر مهرداد رایجیان اصلی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۳.

- وروایی، اکبر؛ محمدی، همت؛ نوربان، ایوب، ۱۳۹۵، مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرایند کیفری، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۲۸.
- وروایی، اکبر و فتاحی، علی، ۱۳۹۱، سیاست جنایی تقنینی پیشگیری از تخلفات در قانون راهنمایی و رانندگی، **فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک**، شماره ۲۴.
- هدایت، هدیه، ۱۳۹۵، **آیین دادرسی ویژه کودکان بزه دیده (مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی و حقوق کیفری ایران)**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- یوسفی مراغه، مهدی، ۱۳۸۸، خدمات‌رسانی به بزه دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۱۳.

لاتین

- Waite, Bralth, 1989, Shame and reintegration, Cambridge University press. J.
- Link, B. G. & Phelan, J. C. , 2006, Stigma and its public health implications, The Lancet, 335.

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege

Mohammad Mahdi Asadi

Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law

Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir

The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child

Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi

Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency

Mohammad Javanbakht, Parisa Karimeh, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski

Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis

Maryam Kamaei, Zahra Ansarifard, Petter Gottschalk

Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts

Arman Yaghobi Moghadam, Mohammad Gholampour Vishkaei, Mohammad Yararshadi

Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context

Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela

The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment

Zahra Nazari

Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law

Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani

Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law

Sayyede Faezeh Fatemi

Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits

Moslem Alahyari

Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge

Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan

Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle

Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel

The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)

Sayyed Hosein Dehghan Nayeri, Maryam Mosaferi

The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)

Mohammad Saïd Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4

Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System

Marjan Negahi Mokhlesabadi

Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies

Parisa Rezvan, Ali Zare

Human Dignity in Criminal Law and International Documents

Mohammad Amin Ebrahimi

The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions

Elham Derki, Ayda Mokhtareh, Behnam Rastegari

Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012

Sadegh Banitarafian Havizavi

The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects

Yasser Shakeri